

A Sociological Analysis of the Social Status of Housewives: An Approach Based on Islamic Teachings*

Mahdi Nasiri¹ 

Fatemeh Bahjat² 

1. Assistant Professor, Department of Sociology, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran.

mahdinasiri@rihu.ac.ir

2. PhD Student in Sociology, Department of Sociology, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran (**Corresponding Author**).

f.bahjat@rihu.ac.ir




Abstract

Employing a sociological approach, this research examines the social status of housewives within the cultural and social context of Yazd. Data were collected through in-depth interviews with 13 married women with children (aged 28–40) in Yazd, using convenience and theoretical sampling. The gathered data were coded and analyzed using MAXQDA software and thematic analysis techniques, maintaining theoretical sensitivity. The analysis yielded 25 sub-categories and 4 main themes: 1. Reproduction of status inequality through cultural structures and habitus; 2. Disruption in personal fulfillment and inequality in resources and opportunities; 3. Agency, self-awareness, and status reclamation; and 4. Lack of self-awareness and psychological harms. The findings indicate that traditional habitus, lack of access to economic resources, absence of social

* Nasiri, M. & Bahjat, F. (2025). A Sociological Analysis of the Social Status of Housewives: An Approach Based on Islamic Teachings. *Islam and Social Studies*, 13(3), pp. 125-157.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.72114.2157>

 **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

 **Received:** 2025/05/26 •  **Revised:** 2025/08/01 •  **Accepted:** 2025/09/03 •  **Online Publication:** 2025/10/01

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



rewards, and negative societal feedback have collectively undermined the social status of housewives. Islamic teachings—by emphasizing dignity, agency, and the spiritual valuation of domestic work—provide a cultural capacity to redefine the social standing of this group. Finally, the study emphasizes the necessity of rethinking social, cultural, and economic policymaking, grounded in an Islamic perspective, to enhance the social status of housewives.

Keywords

Social Status, Housewives, Thematic Analysis, Habitus, Islamic Teachings.

تحلیل جامعه‌شناختی منزلت اجتماعی زنان خانه‌دار با رهیافتی از آموزه‌های اسلامی*

مهدی نصیری^۱  فاطمه بهجت^۲ 

۱. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

mahdinasiri@rihu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده مسئول).

f.bahjat@rihu.ac.ir

چکیده

این پژوهش با رویکردی جامعه‌شناختی، به بررسی منزلت اجتماعی زنان خانه‌دار در بافت فرهنگی و اجتماعی شهر یزد می‌پردازد. داده‌های تحقیق از طریق مصاحبه عمیق با ۱۳ زن متأهل دارای فرزند (در بازه سنی ۴۰-۲۸ سال) در شهر یزد، گردآوری شد. نمونه‌گیری به صورت موارد در دسترس و به شیوه نظری انجام شد. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها پس از کدگذاری با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا و تکنیک تحلیل مضمون، با لحاظ حساسیت نظری تحلیل شدند. تحلیل داده‌ها به استخراج ۲۵ مقوله فرعی و ۴ مضمون اصلی انجامید که مضامین اصلی شامل: ۱. بازتولید نابرابری منزلتی از طریق ساختارهای فرهنگی و عادت‌واره‌ها؛ ۲. اختلال در تحقق فردی و نابرابری در منابع و فرصت‌ها؛ ۳. کنشگری، خودآگاهی و بازیابی منزلت؛ ۴. عدم خودآگاهی و آسیب‌های روانی می‌باشد. یافته‌ها، بیانگر آن است که عادت‌واره‌های سنتی، نبود دسترسی به منابع اقتصادی، نبود پاداش اجتماعی و بازخوردهای منفی از جامعه، زمینه‌ساز

* نصیری، مهدی؛ بهجت، فاطمه. (۱۴۰۴). تحلیل جامعه‌شناختی منزلت اجتماعی زنان خانه‌دار با رهیافتی از آموزه‌های اسلامی. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۳)، صص ۱۲۵-۱۵۷.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.72114.2157>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹

© ۱۴۰۴ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



تضعیف منزلت اجتماعی زنان خانه‌دار شده است. آموزه‌های اسلامی با تأکید بر کرامت، اختیار و ارزش‌گذاری معنوی کار در خانه، ظرفیتی فرهنگی در جهت بازتعریف جایگاه اجتماعی این گروه به‌شمار می‌روند. در پایان این پژوهش بر ضرورت بازاندیشی در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با تکیه بر نگرش اسلامی برای ارتقاء منزلت اجتماعی زنان خانه‌دار تأکید شده است.

کلیدواژه‌ها

منزلت اجتماعی، زنان خانه‌دار، تحلیل مضمون، عادت‌واره، آموزه‌های اسلامی.

مقدمه و بیان مسئله

مفهوم «منزلت اجتماعی»^۱ از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی است که پیوندی وثیق با هویت اجتماعی، نقش‌های جنسیتی و ساختارهای قشربندی دارد. منزلت در لغت به معنای جاه و مرتبه است (بهشتی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۴۹) و در حیات جمعی جایگاه فرد در گروه یا در مقایسه با گروه‌های دیگر است که بر حقوق و مزایای فرد تأثیر می‌گذارد (کونن، ۱۳۷۲، ص ۸۰). منزلت عامل نفوذ در اهداف اجتماعی-فرهنگی است (بیرو، ۱۳۷۰، ص ۲۹۳). می‌تواند اکتسابی (برآمده از تلاش فردی) یا انتسابی (همچون جنسیت، قومیت یا ثروت خانوادگی) باشد (کونن، ۱۳۷۲، ص ۸۱). جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر از منظرهای متعددی به تبیین منزلت پرداخته‌اند. نظریه پردازان کارکردگرا همچون پارسونز، منزلت را عامل انسجام اجتماعی می‌دانند و دیدگاه‌های تضادگرا همچون مارکس و بلاو آن را بازتاب نابرابری ساختاری در توزیع منابع می‌دانند (سیدمن، ۱۴۰۰، ص ۱۰۵). بوردیو با تمرکز بر سرمایه فرهنگی و نمادین، منزلت را برآیند انباشت و بازتولید سرمایه‌ها در میدان‌های اجتماعی می‌داند. این نظریه‌ها بستری برای تحلیل جایگاه و هویت گروه‌هایی که در ساختار قشربندی اجتماعی کمتر دیده می‌شوند؛ از جمله زنان خانه‌دار، پدید می‌آورند.

با ورود جوامع به مدرنیته و تغییرات در ساخت خانواده، نقش‌های جنسیتی نیز دگرگون شده‌اند. تحلیل پیتز برگر از مفهوم «آبرو» در جامعه سنتی و جایگزینی آن با مفهوم «منزلت اجتماعی» در جامعه مدرن، نشان‌دهنده انتقال ارزش‌ها و معیارهای ارزشیابی جایگاه اجتماعی افراد است. در جامعه سنتی، آبرو به‌عنوان ضامن حفظ ساختار خانواده و منزلت زنان خانه‌دار عمل می‌کرد؛ اما در جامعه مدرن، فقدان جایگاه منزلتی در قالب‌های رسمی و عمومی، بحران‌هایی هویتی برای این گروه پدید آورده است (برگر و همکاران، ۱۳۹۴، صص ۱۲۲-۱۲۹).

در چنین بستری، دغدغه اصلی پژوهش حاضر بررسی تجربه زیسته زنان خانه‌دار از

1. Social Status

«منزلت اجتماعی» است؛ مسئله‌ای که در گفت‌وگوهای روزمره، دورهمی‌های زنان و مشاهدات میدانی پیوسته طرح می‌شود؛ اما به آن کمتر به صورت علمی پرداخته شده است. بسیاری از زنان خانه‌دار، خانه‌داری را کاری یکنواخت و کم‌نشاط توصیف می‌کنند که منجر به روزمرگی و فرسایش روانی می‌شود. این وضعیت در شهرهایی همچون یزد، که با ترکیبی از ارزش‌های سنتی و سبک زندگی شهری مواجه است، نمود ویژه‌ای دارد. از یک‌سو، سبک زندگی شهری در حال دگرگونی است، و از سوی دیگر، انتظارات فرهنگی درباره نقش خانگی زنان همچنان در چارچوب‌های سنتی باقی مانده‌اند.

براین اساس، پژوهش حاضر تلاش دارد با بهره‌گیری از نظریات جامعه‌شناختی منزلت و قشربندی اجتماعی، به تحلیل عمیق تجربه زیسته زنان خانه‌دار از جایگاه اجتماعی‌شان پردازد و دریابد که این گروه چگونه منزلت خود را در نسبت با دیگر گروه‌های اجتماعی تعریف می‌کنند؛ چه چالش‌هایی را تجربه کرده‌اند؟ و در گامی فراتر، رهیافتی اجمالی از منزلت اجتماعی زنان خانه‌دار در اندیشه اسلامی نیز ارائه می‌شود تا چارچوبی بومی‌تر برای تحلیل و سیاست‌گذاری در این حوزه فراهم گردد.

۱. پیشینه پژوهش

مقالات متعددی به صورت مستقیم به این موضوع پرداخته‌اند. بابایی و سربندی (۱۳۹۸) به صورت پیمایشی «عوامل مؤثر بر نگرش به منزلت اجتماعی زنان در شهر کاشان» را بررسی کرده‌اند. نتایج، بیانگر رابطه معناداری بین نگرش به مشارکت اجتماعی زنان، وضعیت بیولوژیک، استقلال مالی، اقدامات دولتی و ساخت قدرت در خانواده است. ساروخانی و رفعت‌جاه (۱۳۸۳) در پژوهشی «عوامل اجتماعی مؤثر بر بازتعریف هویت زنان» را تبیین می‌کنند و نشان می‌دهند افزایش تحصیلات و اشتغال زنان موجب تضعیف نقش‌های سنتی زنان و عدم هماهنگی نقش‌های سنتی با جدید، به بحران هویت زنان منتهی شده است. ایمان و کیزدقان (۱۳۸۲) به «بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان شیراز» پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد؛ متغیرهای تحصیلات، میزان رضایت از

خود، درآمد، بر هویت دینی و متغیرهای شبکه ارتباطی، تحصیلات، اعتماد به نفس بر هویت قومی افراد تأثیر داشته‌اند. امین فر (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی نگرش زنان جوان درباره منزلت نقش خانه‌داری» به بررسی فاصله‌گیری نقش خانه‌داری از شکل سنتی آن در زندگی مدرن شهری پرداخته و نشان می‌دهد مؤلفه‌های شخصیتی و نیازهای افراد و دیدگاه گروه خودی و تصورات قالبی، بر منزلت این نقش مؤثر بوده است و در گروهی از افراد خانه‌دار احساس رضایت پایدار نسبت به این انتخاب وجود ندارد. ساهراوات^۱ (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های روانشناختی زنان خانه‌دار» تأثیرات چالش‌های خانه‌داری بر سلامت روان را تحلیل کرده است؛ عواملی مانند استرس، فرسودگی، کار احساسی، انزوای اجتماعی و وابستگی مالی به عنوان دلایل افسردگی در زنان خانه‌دار معرفی شده‌اند. اوکولچ و همکاران^۲ (۲۰۱۸) «تغییرات نقش‌های جنسیتی در ایالات متحده» را بررسی و رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار را مقایسه کرده است. داده‌های نظرسنجی عمومی ایالات متحده نشان داد که زنان خانه‌دار، به‌ویژه زنان متأهل، دارای فرزند، و ساکن مناطق حومه‌ای، سطح بالاتری از رضایت از زندگی را تجربه کرده‌اند اما این مزیت در میان نسل‌های جوان‌تر کاهش یافته است. دوراک و همکاران^۳ (۲۰۲۳) در پژوهش خود با عنوان «پیشانی و اضطراب در میان زنان خانه‌دار» به تحلیل نقش استرس، تنهایی، و فرسودگی زنان خانه‌دار در افزایش اضطراب و ناراحتی روانی در زنان ترکیه پرداخته‌اند. تمایز پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها تمرکز بر مسئله بررسی احساس منزلت اجتماعی در زنان خانه‌دار شهر یزد به روش کیفی در چارچوب مجموعه‌ای از نظریات منزلت و پایگاه اجتماعی است. به‌بیان‌دیگر این پژوهش با روش گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه با زنان خانه‌دار تلاش می‌کند تا مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مطرح توسط پارسونز، بوردیو، مارکس و بلاو در باب منزلت اجتماعی را در تحلیل به کار گیرد؛ همچنین تلاش دارد تا در کنار تحلیل

1. Sahrawat

2. Okulicz & et. al

3. Durak & et. al

جامعه‌شناختی از منزلت اجتماعی این گروه؛ به رهیافتی از منزلت اجتماعی زنان خانه‌دار از منظر اسلام نیز پردازد که این ویژگی‌ها تمایزبخش پژوهش حاضر است.

۲. ادبیات و چارچوب مفهومی پژوهش

رویکرد نظری این پژوهش بر مبنای پیوند میان نظریه‌های بازتولید منزلت (بوردیو)، کارکردگرایی ساختاری (پارسونز)، نقد سرمایه‌داری (مارکس)، مبادله اجتماعی (بلاو) و نظریات مطرح در منظومه ارزشی اسلام سامان یافته است. این چارچوب ترکیبی تلاش دارد؛ نشان دهد چگونه جایگاه اجتماعی زنان خانه‌دار در بستر نظم اجتماعی، تعاملات میان‌فردی، ساختارهای طبقاتی، فرآیندهای نمادین و تعالیم دینی شکل می‌گیرد.

۱-۲. بازتولید منزلت از طریق عادت‌واره (بوردیو)

عادت‌واره^۱ از نظر پیر بوردیو^۲ متحدکننده ویژگی‌های یک موقعیت فرهنگی - اقتصادی بوده و شامل انتخاب‌هایی از اشخاص، اموال و افعال خاص و ترجیحات می‌باشد (بوردیو، ۱۳۹۳، ص ۳۵) طبقه اجتماعی نیز به دسترسی فرد به منابع گوناگون، پیوندها و فرصت‌های اجتماعی مرتبط با شغل و نیز سن، جنسیت و تحصیلات اشاره دارد. طبقات تحت سلطه‌ی عادت‌واره خاص به وجود می‌آید که سبک زندگی و ترجیحات زیباشناختی را به همراه دارد (سیدمن، ۱۴۰۰، صص ۲۰۳-۱۹۶). عادت‌واره، صورت‌هایی از قبیل گرایش‌ها، انگیزش‌ها، رفتارها، جهان‌بینی و نیز مهارت‌ها و قابلیت‌های اجتماعی عملی است و با نابرابری‌های سیستماتیک که زاییده قدرت و طبقه اجتماعی است پیوند خورده است. بوردیو از مفهوم سرمایه فرهنگی کمک می‌گیرد تا توضیح دهد؛ چگونه عادت‌واره‌ها نابرابری را خصوصاً در فضای مدرسه و خانواده بازتولید می‌کنند (اسمیت، ۱۳۹۴، صص ۲۴۹-۲۴۵).

1. hbituos

2. Pierre Bourdieu

مفهوم منزلت اجتماعی در جوامع تحت تأثیر عواملی همچون میزان ثروت، تحصیلات، شغل و درآمد بازتعریف می‌شود، سرمایه‌ها و عادت‌واره نیز بر اساس همین شاخص‌ها در کار بازتولید منزلت اجتماعی هستند. با وجود عادت‌وارهای مسلطی که به سرعت در حال گسترش در جوامع در حال توسعه هستند، پرسش‌هایی مطرح می‌شود: آیا می‌توان احساس منزلت اجتماعی را در زنان خانه‌دار ارتقا داد؟ و آنان را از پیامدهای کاهش احساس منزلت اجتماعی مصونیت بخشید؟ آیا می‌توان در جهان مدرن از طیف گسترده‌ای از زنان خانه‌دار انتظار داشت؛ تنها در پناه ارزش‌های معنوی احساس منزلت اجتماعی را نادیده بگیرند؟ و اگر آنان در مرحله نادیده‌انگاری و نبود آگاهی از این نابرابری منزلتی باشند؛ آیا از آسیب‌های آن در امان هستند؟ زنان خانه‌دار در بسیاری از جوامع، با عادت‌واره‌هایی مواجه‌اند که نقش آنان را تنها در چارچوب خانه‌داری تعریف می‌کند و آن را فاقد ارزش بازارمحور می‌داند. همین امر سبب می‌شود زنان، به‌ویژه تحصیل‌کردگان خانه‌دار، با احساس فروکاست منزلت روبه‌رو شوند، چراکه سرمایه فرهنگی آنان در میدان‌های نمادین رسمی (مانند شغل بیرونی) به رسمیت شناخته نمی‌شود. به بیان دیگر، خانه‌داری به مثابه فعالیتی فاقد معادل اقتصادی، زمینه‌ساز بازتولید نابرابری و احساس بی‌ارزشی می‌شود.

۲-۲. کارکردهای نظام اجتماعی و جایگاه زنان خانه‌دار (پارسونز)

تالکوت پارسونز^۱ نظریه کارکردگرایی ساختاری خود را با بیان چهار تکلیف کارکردی^۲ که برای همه نظام‌های اجتماعی تعیین کرده است؛ آغاز می‌کند (ریتزر، ۱۳۸۴، ص ۱۳۱). نیازهای چهارگانه انطباق، دستیابی به هدف، یکپارچگی و حفظ الگو نظریه او را شکل می‌دهد (ریتزر و گودمن، ۱۳۹۳، ص ۱۴۰). برای دستیابی به این چهار نیاز، نهادها و خرده نظام‌ها به وجود می‌آیند. برای مثال اقتصاد، نهاد تأمین شرایط مادی (انطباق) است

1. Talgot Parsons

2. AGIL

و نهادهای سیاسی اهداف جامعه را در اولویت قرار می‌دهند. نهاد حقوقی همواره در پی حفظ الگوست. پارسونز و اسملسر معتقدند کاربست این الگو عام و انتزاعی در مورد خرده نظام‌ها نیز ممکن است (اسمیت، ۱۳۹۴، ص ۶۳). خرده نظام‌ها باید چهار مسئله مربوط به بقای خود را مرتفع سازند. برای مثال خانواده با مسئله انطباق، بقای اقتصادی و در دستیابی به هدف، تصمیم‌گیری‌های مهم و با یکپارچگی هماهنگی روابط خانواده و در حفظ الگوی انتقال ارزش‌ها به فرزندان را دنبال می‌کند. اختلال در تأمین نیازهای ذکر شده سبب از هم گسستگی در نظام خانواده می‌شود (سیدمن، ۱۴۰۰، ص ۱۰۶).

می‌توان با استفاده از الگوی پارسونز میزان و سطح منزلت اجتماعی در زنان خانه‌دار را تحلیل کرد. در جدول زیر کاربست الگوی آجیل در خانواده ترسیم شده است.

A (انطباق) مالکیت و ابزار مادی زنان خانه‌دار	G (رسیدن به هدف) احساس میزان نفوذ و رهبری مؤثر
L (الگوهای نامرئی و مدیریت تنش) وجود الگوهای نامرئی ارزشی در خانواده	I (یکپارچگی) پایبندی ارزشی به قوانین خانواده توسط زنان خانه‌دار

در یک نظام اجتماعی اگر تصور شود که تخصیص منابع و پاداش ناعادلانه و سطح منزلت‌ها غیرمنصفانه است ممکن است به تعارضات اجتماعی منجر شود (سیدمن، ۱۴۰۰، ص ۱۰۴). خانواده به‌عنوان یکی از خرده‌نظام‌های اجتماعی، با تخصیص نقش‌ها این وظایف کارکردی را انجام می‌دهد. زنان خانه‌دار نقش مهمی در کارکردهای حفظ الگو (انتقال ارزش‌ها به فرزندان)، یکپارچگی (ایجاد هماهنگی درون‌خانوادگی) و انطباق (مدیریت منابع مادی در خانه) دارند. مسئله زمانی پدید می‌آید که جامعه در توزیع پاداش‌ها و منزلت، این نقش‌های عملکردی را به رسمیت نشناسد و در نتیجه اختلال در «تخصیص عادلانه منزلت»، تعارضات منزلتی و نارضایتی اجتماعی رخ دهد.

۲-۳. از خود بیگانگی (مارکس)

مفهوم از خود بیگانگی^۱ کارل مارکس نشان می‌دهد که چگونه کارگران از خود بیگانه شده نظام سرمایه‌داری در فراگرد کار، فرصت پرورش استعداد های خویش را نمی‌یابند و ناچار به جبرهای تحمیل شده تن می‌دهند (دیلنی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۸). بیگانگی روان‌شناختی به صورت افسردگی و نارضایتی زمانی بروز می‌یابد که معنای کار برای انسان مفید و هدایت‌بخش جلوه نکند؛ خود آگاهی زمانی است که فرد نسبت به وضعیت موجود خویش آگاهی یافته؛ به واسطه عاملیت و استفاده استعدادهای طبیعی بر جبر تحمیل شده فائق آید (تنهایی، ۱۴۰۰، صص ۸۶-۱۰۰). خانه‌داری، در غیاب ارزش‌گذاری اجتماعی و بازخوردهای بیرونی، می‌تواند به گونه‌ای تجربه شود که فرد احساس کند استعدادهایش نادیده گرفته شده یا در خدمت الزاماتی بیرونی است. تلقی کارخانه به‌عنوان یک «وظیفه طبیعی زنانه» و نه «کنشی آگاهانه و اختیاری»، بیگانگی از خود و عدم تحقق خود، شکلی از مسخ واقعیت را پدید می‌آورد. به تعبیر بورديو نداشتن معادل پولی کارخانگی و ارزش در بازار بر میزان از خود بیگانگی و مسخ شدن واقعیت فعالیت خانه‌داری، مؤثر است (ر.ک. بورديو، ۱۴۰۰، ص ۱۲۴).

۲-۴. مبادله اجتماعی و ساختارهای نابرابر پاداش (بلاو)

نظریه مبادله پیتربلاو^۲ بیانگر پیوند میان نظم اجتماعی با موقعیت‌های اجتماعی است. اصطلاح ویژگی‌های اسمی (جنسیت، دین، سن) و مندرج (تحصیلات، درآمد) فاصله اجتماعی یا همان نابرابری را نشان می‌دهند که سبب افزایش نابرابری و تضاد اجتماعی می‌شود (سیدمن، ۱۴۰۰، ص ۱۲۸). مفهوم دگرگونی بلاو بیانگر کنش‌هایی است که به واکنش‌های پاداش‌آمیز دیگران مشروط بوده و در صورت عدم دریافت واکنش‌های مورد انتظار، خاموش می‌شوند. اگر یکی از طرفین مبادله به چیزی از داشته‌های دیگری

1. alienation.

2. Peter Blau

نیازمند باشد، اما چیز هم‌ترازی برای ارائه نداشته باشد؛ عدم توازن در مبادله رخ می‌دهد (ریتزر و گودمن، ۱۳۹۳، ص ۴۱۳). زنان خانه‌دار در فرآیند کنش‌های اجتماعی خود، در پی دریافت پاداش‌هایی همچون احترام، قدردانی و منزلت هستند؛ در صورتی که این پاداش‌ها (بیرونی یا درونی) دریافت نشوند - به‌ویژه از سوی نهادهای اجتماعی رسمی - تعادل مبادله مختل شده و نقش آن‌ها تضعیف می‌شود و احتمال احساس ناامنی منزلتی، انزوای اجتماعی و خودکم‌بینی افزایش می‌یابد. این موضوع زمانی جدی‌تر می‌شود که نابرابری‌های جنسیتی در توزیع منابع و فرصت‌ها نیز وجود داشته باشد.

۵-۲. منزلت خانهداری زنان در اسلام

توجه اسلام به خانهداری در راستای عنایت به آرامش و مودت و ایجاد محیطی امن برای تعالی انسان است. در دیدگاه اسلام زنان در انتخاب خانهداری مختار بوده؛ منعی برای فعالیت آنان در عرصه‌های دیگر وجود ندارد. زنان می‌توانند در ازای کار در خانه مزد دریافت کنند مگر در صورتی که مایل نباشند. اسلام با توصیه‌های مکرر بر قدردانی و ارزش نهادن به این لطف زنان، تأکید دارد. وظایفی که به موجب زوجیت بر زن واجب می‌شود دو دسته هستند، یکی، وظایف مشترک میان زوجین و دیگری، وظایف مخصوص به هر کدام، انجام وظایفی چون آشپزی، نظافت و کارهای خدماتی جز وظایف واجب و مختص زنان نیست (احمدیه، ۱۳۸۳).

نگرش دینی به مسئله خانهداری و نگاه سنتی یعنی آنچه در بافت کلی جامعه ما رخ می‌دهد؛ متمایز است و نگاه اصیل اسلامی در موارد نادری تحقق می‌یابد؛ بافت جامعه سنتی خانهداری را وظیفه زن قلمداد می‌کند. این امر سبب شده است که خانهداری مستلزم نوعی ستم خانگی به زن تلقی شود (امین‌فر، ۱۳۹۳، ص ۱۳۱).

اسلام با ارزش نهادن به کار درون خانه و پاداش‌های معنوی آن، چارچوبی اخلاقی و معنابخش برای نقش خانهداری ترسیم می‌کند؛ این ارزش‌گذاری زمانی کارآمد است که در جامعه اسلامی، این مفاهیم به‌صورت نظام‌مند در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و اقتصادی بازتاب یابد. در غیر این صورت، زنان خانه‌دار با گسستی میان منزلت نمادین

دینی و منزلت واقعی اجتماعی مواجه می‌شوند که می‌تواند احساس نارضایتی را افزایش دهد؛ از این رو، پیوند میان آموزه‌های اسلامی با نهادهای اجتماعی، آموزش، رسانه و اقتصاد برای ارتقاء منزلت زنان خانه‌دار ضروری است.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه عمیق استفاده شد. اطلاعات از گفت‌وگو در رابطه با تجربیات زنان خانه‌دار با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی به دست آمد. تعداد افراد جامعه مشارکت‌کننده به اشباع نظری بستگی دارد که در این پژوهش تعداد ۱۳ نفر از زنان خانه‌دار متأهل و دارای فرزند در بازه سنی ۲۸ تا ۴۰ سال هستند. به منظور رعایت اخلاق پژوهشی از بردن نام واقعی مصاحبه‌شوندگان اجتناب شد. تحلیل یافته‌ها براساس تحلیل مضمون^۱ انجام گرفت. براساس الگوی براون و کلارک تحلیل مضمون شامل ۱. آشنایی با داده‌ها و بازخوانی مکرر؛ ۲. کدگذاری اولیه و توسعه مضامین؛ ۳. مرور مضامین و حذف موارد غیرمهم و تعریف و نام‌گذاری مضامین و تدوین گزارش است (ر.ک. عابدی و همکاران، ۱۳۹۰). در واقع تحلیل مضمون روشی برای شناسایی، تجزیه، تحلیل و گزارش الگوی (مضامین) درون داده‌ها است (Braun & Clarke, 2006, p. 79). اطلاعات گردآوری شده به وسیله مصاحبه بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های مفاهیم، کدگذاری و طبقه‌بندی شده و مضامین آن استخراج گردید. برای سهولت در کدگذاری از نرم‌افزار مکس کیودای^۲ استفاده شد.

انتخاب یزد به عنوان میدان مطالعه از آن جهت بود که این شهر به‌رغم ورود به مدرنیته؛ ساختارهای فرهنگی آن مبتنی بر ارزش‌های دیرپا شکل گرفته‌اند. زنان خانه‌دار در یزد در تلاقی این دو حوزه ارزش‌گذار (مدرنیته و سنت) زیست می‌کنند و تجربه خاصی از احساس منزلت دارند که می‌تواند بازتاب‌دهنده نوعی تضاد درونی در نقش و

1. Thematic analysis

2. MAXQDA

هویت آن‌ها باشد. محدودیت‌های مقاله امکان تعمیم نتایج را کاهش می‌دهد؛ اما یافته‌ها می‌توانند مبنایی برای تحلیل‌ها و سیاست‌گذاری‌های دقیق‌تر درباره منزلت اجتماعی زنان خانه‌دار در ایران باشند. برای افزایش روایی و پایایی تحلیل مضمون، از بررسی توسط همکاران، و مستندسازی استفاده شده است. این معیارها به پژوهشگران کمک می‌کنند تا نتایج حاصل از تحلیل مضمون، قابل اعتمادتر باشند (عباسی و همکاران، ۱۴۰۳).
 در جدول شماره ۱ اطلاعات کلی از مصاحبه‌شوندگان آمده است:

جدول شماره ۱: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

تعداد مصاحبه‌شوندگان	ویژگی‌های زمینه‌ای	
۴	دیپلم	تحصیلات
۷	کارشناسی	
۲	کارشناسی ارشد	
۳	یک	تعداد فرزندان
۷	دو	
۳	سه	
۱۳	خانه‌دار	شغل
۱۳	۲۸-۴۰	سن
۳	مطلقه	وضعیت فعلی
۱۰	متاهل	

۴. یافته‌های پژوهش

مصاحبه‌ها و اسناد چندین مرتبه خوانده شدند و مطالب مرتبط با موضوع انتخاب و کدگذاری شدند در مرحله کدگذاری با استفاده از حساسیت نظری هر یک از مفاهیم نام‌گذاری شد و با کنار هم قراردادن مقوله‌های فرعی که بیشترین اشتراک معنایی را

داشتند، به خلق مقوله‌ها و مفاهیم جدید پرداخته شد. در این مرحله مقوله‌های فرعی در قالب ۲۵ کد فرعی دسته‌بندی شده و در نهایت تعداد ۴ مضمون اصلی استخراج شد. جدول ۲ شامل کدهای اصلی، کدهای فرعی، نمونه‌هایی از متن مصاحبه و نیز تعداد فراوانی کدهای به دست آمده در هر مقوله است.

جدول شماره ۲: کدهای اصلی و فرعی بر اساس فراوانی

فراوانی کدها	نمونه‌هایی از متن مصاحبه‌ها	کدهای فرعی	کدهای اصلی
۲۲	دختر که به دنیا می‌آورد می‌گفت او مده سختی بکشه	عادت‌واره‌های جنسیتی زنان	
	می‌خواهی مادری کنی اینطوره؛ باید قید خیلی چیزها رو بزنی		
	ما زنها عادت داریم همو نادیده بگیریم		
۹	شوهرم می‌گه کار خونه برای زنه به من کنایه زندند؛ یه بچه دیگه بیار؛ محمد (همسر) نگهش می‌داره	عادت‌واره‌های فامیلی	باز تولید نابرابری منزلی از طریق ساختارهای فرهنگی و عادت‌واره‌ها
	شاید ما اینا طبیعی باشه؛ خب یه زن باید مادری کنه همسر می‌گه ناراحتیت از بیکاریه	بدیهی‌سازی و طبیعی‌ساختن مشکلات (دوکسا)	
۹	خانه‌داری کار پر زحمتیه؛ هیچ وقت ارزش واقعی بهش نمیدن.	ابهام نقش زن در خانه	
	شغل تمام وقته که به چشم نیامد.		
	مردا درک نمی‌کنند؛ کار خانه زیاده		

کدهای اصلی	کدهای فرعی	نمونه‌هایی از متن مصاحبه‌ها	فراوانی کدها
	دریافت باز خورد نامناسب از جامعه	برای زنای شاغل احترام بیشتری قائلند؛ زرننگ‌تر به نظر می‌رسند.	۸
		بگی کارمندم یا معلم، بهتر خدمات می‌دن.	
	احساس خجالت از نقش (کاهش اعتماد نفس)	یکی از خواهرام کارمنده؛ وقتی خودمو باهاش مقایسه می‌کنم حس جالبی ندارم	۸
پرسید شغلتون چیه؟ گفتم خانه‌دار، طوری حرف می‌زد؛ انگار بی‌سوادم؛ گفتم مدرکم کارشناسی ارشده.			
	عدم دریافت پاداش	دعوامون سر چیزهای بیخوده؛ چرا غذا اینطوری شده یا چرا فلان چیز نیست؟	۳
		شوهرم اصلا تو آشپزی کمک نمیکنه.	
اختلال در تحقق فردی و نابرابری در منابع و فرصت‌ها	بازماندن از اقتدار ناشی از درآمد (انطباق)	شرایط طوری شد که من نتونستم به کارم ادامه بدم	۲۷
		سال‌هایی که موقع پیشرفت شغلیم بود؛ خانه‌داری و بچه‌داری کردم.	
	حق انتخاب در خرید	دل‌م می‌خواد درآمد داشته باشم تا هرچی خواستم بخرم.	۷
		وقتی چیزای کوچکی بخوام؛ نخره؛ حس بی‌ارزش شدن دارم.	

کدهای اصلی	کدهای فرعی	نمونه‌هایی از متن مصاحبه‌ها	فراوانی کدها
	بازماندن از تحصیل (از دست دادن فرصت رشد)	تصورش هم نمی‌کردم آینده‌ام این باشه می‌خواستم دکترای شیمی بگیرم هدف‌هایی داشتم؛ نشد؛ آینده خوب و درآمد	۴
	کنترل اختلافات و مدیریت	یاد دادم به بچه‌ها که تو کارا کمک کنند با هم بحث می‌کنیم ولی خیلی شدید نه	۳
	عدم کنترل اختلافات زناشویی	سریه چیز کوچیک دعوا راه می‌انداخت ... صد امان می‌رفت خونه همسایه‌ها وقتی از خونه مادرم برمی‌گردیم؛ دعوا داریم	۱۲
	تعهد نداشتن همسر (نبود امنیت)	فهمیدم برای کمک مالی به زن مطلقه نزدیک شده؛ باهاش ازدواج کرده سیگار می‌کشید؛ مواد هم تفریحی	۲
	برخورداری از دارایی شخصی	ماشین رو تازه خریده؛ به نامم کرده	۱
	نگرفتن مهریه یا بخشیدن آن	مهریه را بخشیدم تا ثابت کنم دنبال پول نیستم. گفت در صورتی طلاق می‌دم که مهریه‌ات رو ببخشی؛ مجبور شدم	۶ ۸

فرآوانی کدها	نمونه‌هایی از متن مصاحبه‌ها	کدهای فرعی	کدهای اصلی
۶	خیاطی بلدم برای خودم؛ گاهی هم برای فامیل لباس می‌دوزم	شناخت استعدادها	کنشگری، خودآگاهی و بازیابی منزلت
	در فیزیک که رشته‌ام استعداد دارم امسال برای ارشد شرکت کردم		
۲	گاهی جلو بقیه ازم تعریف می‌کنه خانواده شوهرم از آشپزیم خیلی تعریف می‌کنند.	دریافت بازخورد مثبت (پاداش اجتماعی)	
	سر مسائل مختلف صحبت می‌کنیم مسائلی که در جامعه به وجود می‌آید. درباره مسائلی که پیش میاد با هم حرف می‌زنیم مسائل خانوادگی یا در مورد بچه‌ها	هم‌صحبتی مشترک (انسجام درون خانوادگی)	
۵	با سختی پیش‌رفتن خیلی بهتره تا کنار کشیدن	آگاهی از وضعیت موجود	
	اگه این کارها را نکنم؛ مادر غمگینی می‌شوم.		
۵	تا حرف می‌زدیم دعوامون می‌شد. خیلی صحبت نمی‌کنه مگه اینکه من چیزی بپرسم.	عدم هم‌صحبتی مشترک (گسست)	
	۴	یه بار کار عروسک بافی رو شروع کردم که با بچه کوچیک نمی‌شد؛ گذاشتم کنار.	از خودبیگانگی و آسیب‌های روانی ناشی از نقش خانه‌داری
قبل از اینکه بچه‌دار بشیم کار می‌کردم ولی بعدش دیگه شرایطش نبود		نپرداختن به علاقه‌مندی‌ها (سرکوب خواسته‌های فردی)	

فرآوانی کدها	نمونه‌هایی از متن مصاحبه‌ها	کدهای فرعی	کدهای اصلی
۴	مادرم مخالف دانشگاه رفتن بود.	عدم آزادی در انتخاب (اجبار به نقش)	۴
۴	زندگی مجبور می‌کنه آدم روا؛ کارایی که دوست نداره انجام بده.		
۱۰	چون دائم توی خانه‌ام؛ آدم تنهایی شدم؛ می‌دونم افسرده‌ام	احساس افسردگی ناشی از کار خانه داری	۱۰
	وقتی بچه‌ها کوچکتربودن؛ هیچ وقت خالی نداشتم احساس بی‌هودگی داشتم.		
۹	درس که می‌خونم کارها می‌مونه و همه چیز به هم ریخته می‌شود	تعارض بین نقش خانه‌داری و سایر نقش‌ها	۹
	کارای خونه مخصوصاً با بچه، نمی‌زازه زن روی کار دیگه‌ای تمرکز کنه		
۹	افسردگی گرفتم تو خونه بودم؛ با کسی ارتباط نداشتم.	داشتن احساس غم و ناراحتی از نقش	۹
	می‌دونم که تو دلم آدم شادی نیستم.		
۱۸۱	۲۷	۲۵	۴

در این بخش به تحلیل و تفسیر مضامینی که از طریق کدگذاری‌ها به دست آمد و نیز ارتباط و تأثیر هر یک از این مضامین با منزلت اجتماعی زنان خانه‌دار پرداخته می‌شود.

۴-۱. بازتولید نابرابری منزلتی از طریق ساختارهای فرهنگی و عادت‌واره‌ها

این مضمون شامل مفاهیمی چون: عادت‌واره‌های جنسیتی زنان؛ عادت‌واره‌های

فامیلی؛ بدیهی سازی مشکلات (دوکسا)؛ ابهام نقش زنان؛ دریافت بازخورد نامناسب؛ احساس خجالت و عدم دریافت پاداش ساخته شد. مفاهیمی چون عادت‌واره و دوکسا^۱ در نظریه بوردیو، توضیح می‌دهند که چگونه نظام نمادین و نهادهای فرهنگی (خانواده، رسانه، مذهب رسمی و...) از طریق عادت‌واره‌ها ارزش‌های خاصی را «طبیعی» و «بدیهی» جلوه می‌دهند و نابرابری را درونی‌سازی می‌کنند و در پی حل مشکل بر نمی‌آیند (بوردیو ۱۴۰۰، ص ۸). در نتیجه، نقش خانه‌داری به مثابه وظیفه‌ای «زنانه»، «مقدّر» و «غیرقابل چالش» بازتولید می‌شود. پذیرش طبیعی مشکلات خانه‌داری سبب ناتوانی در تغییر شرایط می‌شود.

پاسخ‌های زنان مصاحبه‌شده مانند: «اگر زن از نظر مالی مستقل باشد مرد فیلش یاد هندوستان می‌کند»^۲ و یا «مردها طوری تربیت شدن که به کار خونه نزدیک نشن» و زنانی که معتقدند «خلقت زن این‌طور بوده که باید سختی بکشد» نمونه‌ای از اعتقاد به وجود چنین عادت‌واره‌هایی است. باور به این که «وقتی بخوای مادری کنی باید قید آرزوهای رو بزنی» یا «خیلی از اینا به طبیعت زن برمی‌گرده» همه حکایت از تسلط نظم نمادین پنهانی دارد که نشان می‌دهد زنان، حتی در سطوح تحصیل کرده، دچار نوعی «خودسانسوری منزلتی» شده‌اند، با پذیرش مشکلات به جای یافتن راه‌حل امکان تغییر را از دست می‌دهند.

همچنین برخی از عادت‌واره‌ها مربوط به روابط فامیلی و انتظارات خانواده شوهر هستند؛ زنانی که در حضور خانواده همسر احترام کمتری دریافت کرده‌اند «جلو مادرش، یک لیوان آب نمی‌تونه دست من بده ...» یا «تو یک بچه دیگه دنیا بیار محمد (همسر) نگاهش می‌داره» یا زنانی که توقعات خانواده شوهر از خود را این‌طور بیان می‌کنند «انگار عروس خدمتکار پسرشونه» در بسیاری موارد این عادت‌واره‌های پنهان و موجه اعتقاد دارند و توسط خود زنان در روابط فامیلی بازتولید می‌شوند.

1. doxa

۲. متن‌های داخل گیومه مربوط به مصاحبه‌ها است.

عدم دریافت پاداش و بازخورد منفی، از مفاهیم دیگر بود. عده‌ای از عدم قدردانی سخن گفته‌اند که سبب نارضایتی و کاهش عزت نفس شده است. «جا داشت منو تشویق کنن نه تحقیر» عدم دریافت کمک از سوی همسر مانند «بچه گریه می‌کرد؛ به جای کمک عصبی می‌شد» و یا زنانی که حس می‌کنند علی‌رغم فداکاری قدر آن‌ها دانسته نشده «از اول کم توقع بودم همین باعث شد قدم دونسته نشه» یا زن مطلقه‌ای که بیان می‌کند «در خانه‌اش فقط غذا می‌خوردم حتی پول لباس و خرج‌های دیگرم نمی‌گرفتم» و می‌گوید «یک‌بار در دعوا دستم شکست و کار به شکایت و دیه کشید». احترام و توجه همسر و خانواده می‌تواند منزلت اجتماعی زنان را تقویت کند و عدم دریافت پاداش اعم از پاداش‌های درونی چون احترام، عشق و عاطفه و یا پاداش بیرونی مانند دریافت پول در برابر کار یا کمک‌های دریافتی از طرف دیگر اعضای خانواده می‌تواند منزلت اجتماعی زنان خانه‌دار را کاهش دهد. عدم توازن در دریافت پاداش‌ها علاوه بر نابرابری منزلتی، تهدیدی برای انسجام خانواده و زمینه‌ساز بحران‌های اجتماعی است.

دریافت بازخورد نامناسب از جامعه به سبب ابهام نقش، مفهوم دیگر این مضمون است که سبب کاهش ارزش‌گذاری اجتماعی نقش می‌شود. احساس احترام کمتر به زنان خانه‌دار، در مواجهه فرد با افراد یا گروه‌های مختلف، در هنگام اظهار شغل روی می‌دهد. بر طبق تحلیل گیدنز، ابهام نقش سبب تعارض و فشار نقش می‌شود. پیامدهایی همچون اضطراب و استرس که بیماری‌های روانی و جسمی را نیز به دنبال می‌آورد (کاراندیش و همکاران، ۱۳۹۹). بازنمایی ابهام نقش در محیط خانه، در عبارات زنان خانه‌دار بازتاب یافته است. «یه شغل تمام وقته؛ به چشم نییاد» و یا زنانی بر این باورند که «هیچ‌وقت درک نمیشه؛ فقط یه مادر می‌تونه بفهمه» و نیز «وقتی هم توضیح بدی فکر می‌کنن داری غر می‌زنی». برخی از زنان بر این باورند که «با زن‌های شاغل محترمانه‌تر رفتار میشه» برخی بیان کردند که اگرچه به صورت زبانی از آن تمجید شود ولی به لحاظ عملی ارزش عینی به آن داده نمی‌شود. «جایگاه پایینی داره همه می‌خوان بگن ارزشمنده ولی تو عمل نه» برخی از زنان در تجربه زیسته خود دریافته‌اند که به خانه‌داری اهمیت کمتری داده می‌شود. «اگه بگی کارمندم یا معلم بهتر بهت خدمات می‌دن».

۴-۲. اختلال در تحقق فردی و نابرابری در منابع و فرصت‌ها

این مضمون شامل مفاهیمی نظیر: بازماندن از اقتدار ناشی از درآمد؛ حق انتخاب در خرید؛ بازماندن از تحصیل؛ کنترل در اختلافات؛ عدم کنترل در اختلافات زناشویی؛ عدم تعهد همسر؛ برخورداری از دارایی شخصی؛ نگرفتن مهریه یا بخشیدن آن و بازماندن از کار و درآمد می‌باشد.

مسئله اصلی این مضمون عدم دسترسی زنان خانه‌دار به منابع قدرت، استقلال و تصمیم‌گیری است. آنان به دلیل نبود درآمد مستقل، مالکیت و فرصت‌های فردی (تحصیل، شغل، دارایی) نه تنها از منظر اقتصادی، بلکه از نظر منزلت اجتماعی و موقعیت درون خانواده در وضعیت آسیب‌پذیر قرار می‌گیرند.

تحلیل این یافته‌ها با نظریه پارسونز (کارکردهای چهارگانه) قابل پیوند است. پارسونز دسترسی به منابع اقتصادی (انطباق) و دستیابی به هدف را از ارکان منزلت در نظام اجتماعی می‌داند. خانه‌داری، به‌عنوان نقشی نامرئی، بیشتر فاقد این دو کارکرد است؛ بنابراین در ساختار منزلتی جامعه جایگاه پایین‌تری دارد. زنان نه تنها از فرصت‌های بیرونی (تحصیل، شغل) باز می‌مانند؛ بلکه حتی در داخل خانه نیز از اقتدار در کنترل بحران‌ها (مانند اختلافات زناشویی یا تصمیم‌گیری مالی) محروم می‌شوند. این موارد مطابق با نظریه بلاو، به «نابرابری در منابع مبادله‌ای» بازمی‌گردد؛ زمانی که زنان چیزی برای مبادله (درآمد، قدرت چانه‌زنی) ندارند، موقعیت اجتماعی‌شان کاهش یافته و منابع عمده ثروت و قدرت در انحصار یک جنسیت قرار گرفته؛ سیستمی از سلسله مراتب جنسیتی به وجود می‌آید که احتمال افزایش موقعیت برتر و کنترل بیشتر بر منابع و فرصت‌ها را برای یک جنس فراهم آورده و در سطوح اجتماعی سبب برتری یک جنس نسبت به دیگری می‌شود (شهسواری، ۱۴۰۱). مفاهیم مرتبط با این مضمون در مصاحبه‌ها به این شرح است:

بازماندن از اقتدار ناشی از درآمد: زنانی که به دلیل خانه‌داری از شغل و درآمد بازمانده‌اند، احساس نابرابری منزلتی دارند. «قبل از بچه‌دار شدن کار می‌کردم ولی با بچه امکانش نبود» و یا زن خانه‌داری که می‌گوید «سال‌هایی که موقع پیشرفت شغلیم بود؛ خانه‌داری و بچه‌داری کردم».

حق انتخاب در خرید: عدم استقلال مالی و وابستگی اقتصادی زنان از قدرت انتخاب آنان در خرید کاسته که سبب احساسی ناخوشایند در آنان می‌شود. «گاهی دلم می‌خواد در آمد داشته باشم تا هرچی خواستم بخرم» و یا این عبارت که «وقتی چیزی کوچکی که بخوام؛ نخره حس بی‌ارزش شدن دارم».

بازماندن از هدف (تحصیل): دستیابی به اهداف، علاوه بر خودباوری و احساس پیروزی بر نفوذ و اقتدار فرد نیز تأثیر می‌گذارد. از مسائلی که برخی زنان خانه‌دار مطرح کردند؛ بازماندن از تحصیل علی‌رغم علاقه، به سبب مشغله‌های فراوان است. «تصور نمی‌کردم آینده‌ام این باشه می‌خواستم؛ دکترای شیمی بگیرم». و یا زنی که عنوان می‌کند «هدف‌هایی تو زندگی ام داشتم؛ نشد؛ آینده خوب و درآمد».

کنترل در حل اختلافات و ایجاد همکاری: از شاخص‌های منزلت اجتماعی، قدرت در کنترل اوضاع است. به میزان برخورداری از قدرت کنترل در حل اختلافات و مدیریت بحران، جایگاه منزلتی ارتقاء می‌یابد. برخی زنان خانه‌دار بیان کردند که میزان تسلط خوبی در ایجاد همکاری و دریافت کمک در کارهای منزل را دارند «به بچه‌ها یاد دادم کمک کنند» و یا «همسرم وقتی خونه باشه تو آشپزی کمک می‌کنه» زن دیگری از تسلط و کنترل بر بحث‌ها و اختلافات سخن می‌گوید «باهم بحث می‌کنیم ولی خیلی شدید نه، می‌تونیم کنار بیایم».

عدم کنترل در اختلافات زناشویی: محتوای مصاحبه با سه مورد از زنان بیانگر سطح پایین تری از مدیریت بحران در خانواده بوده است که علاوه بر تنزل جایگاه منزلتی فرد، طلاق و جدایی را در پی داشته است. «این آخری‌ها دعواها مون دیگه عادی نبود... جایی رسیدیم که جلوی بچه‌ها صلاح نبود» و یا «سر یک چیز کوچک دعوا راه می‌انداخت... صدامان می‌رفت خونه همسایه‌ها» زن مطلقه‌ای که به‌اندازه کافی خود را دارای اقتدار و نفوذ نمی‌داند می‌گوید: «پای پول پدرش وسطه، امکان نداره به سمت من بیاد».

عدم تعهد همسر در زندگی مشترک: عدم امنیت در رابطه با همسر و یا خیانت او، از مواردی است که زنان مطلقه خانه‌دار مطرح کردند که کاهش منزلت فرد را در پی دارد «فهمیدم به بهانه کمک مالی به زن مطلقه نزدیک شده و ازدواج کرده» و یا زنی که

درباره بی تعهدی همسرش می گوید: «سیگار که می کشید و گاهی هم مواد و رفیق بازی». یکی از زنان نیز درباره عدم توجه به تعهدات در زندگی خانوادگی می گوید. «به کارهایی که قول داده بود نکند؛ ادامه می داد».

برخورداری از دارایی شخصی: تنها یک مورد از زنان خانه دار دارای شخصی اختصاصی داشت. «ماشین رو که تازه خریده به نامم کرده» درحالی که بر اساس الگوی پارسونز که پیش تر تحلیل شد مالکیت و دستیابی به منابع مالی از عوامل کسب اقتدار و پایگاه منزلتی به شمار می رود.

عدم دریافت مهریه یا بخشیدن آن: دو نفر از زنان مطلقه بیان کردند که در هنگام طلاق، مهریه را بخشیده اند. یکی از زنان می گوید: «گفت اگه مهریه را ببخشی؛ طلاق می دم» و دیگری می گوید: «مهریه را بخشیدم تا ثابت کنم به دنبال پول نیستم». آنان بعد طلاق به دلیل نداشتن پشتوانه مالی با مشکلات مالی و چالش های منزلتی روبرو شدند. «مادرم به رحمت خدا رفته؛ روی پدرم حسابی نمی توانم بکنم. پیش خاله ام زندگی می کنم» و یا «تنها شدم؛ از نظر مالی روم فشاره». زنان دیگر بیان کردند که مهریه خود را هنوز دریافت نکرده اند.

بازماندن از کار و درآمد: برخی زنان مصاحبه شده به سبب خانه داری از کار بیرون بازمانده اند البته برخی نیز میلی به اشتغال در بیرون خانه نداشتند و اما بیان کرده اند که به سبب فشار کار خانه و اشتغال بیرون، خانه داری را ترجیح می دهند «گاهی دلم می خواد درآمد داشته باشم ولی شرایط طوریه که نمی تونم» و یا «زن دیگری که می گوید: «در دوره ای که می تونستم به دنبال شغل و درآمد باشم؛ مجبور شدم همه چی رو ول کنم» و یا «این سن زمان مناسبی برای پیشرفت شغلی اونم تو رشته من نیست».

۳-۴. از خودبیگانگی و آسیب های روانی

این مضمون شامل مفاهیمی نظیر: احساس افسردگی، نپرداختن به علاقه مندی ها؛ کاهش اعتماد به نفس؛ عدم آزادی در انتخاب؛ تعارض بین نقش خانه داری و سایر نقش ها؛ داشتن احساس غم و ناراحتی از نقش و عدم هم صحبتی مشترک است.

در این مضمون، تجربه زنان از فشار روانی، خستگی، احساس افسردگی و بی‌معنایی نقش برجسته می‌شود. این موضوع مستقیماً با مفهوم «ازخودبیگانگی» مارکس پیوند دارد. کار زمانی سبب شکوفایی می‌شود که «آزادانه، آگاهانه و خلاقانه» باشد؛ اما خانه‌داری، به‌ویژه وقتی اجباری و فاقد بازخورد و دستاورد اجتماعی است؛ تبدیل به کار فرساینده‌ای می‌شود که انسان را از «خود» جدا می‌کند. در ترکیب با نظریه بوردیو، می‌توان گفت نبود ارزش بازارمحور و عدم تبدیل کارخانه‌داری به سرمایه فرهنگی و اقتصادی، زنان را در چرخه‌ای از «نامرئی بودن اجتماعی» گرفتار می‌کند. آنان با نبود احساس ارزش دچار کاهش اعتمادبه‌نفس، شرم و حتی افسردگی می‌شوند. جملاتی مانند «باید قید آرزوهایم رو بزنم»، «نمی‌تونم کاری که دوست دارم انجام بدم» یا «همیشه احساس تنهایی دارم» نشانه‌هایی از این بیگانگی است. بیگانگی نه تنها از علایق و استعدادها؛ بلکه از موقعیت اجتماعی فرد نیز ناشی می‌شود. پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به این شرح است:

داشتن احساس افسردگی: این احساس بیشتر به سبب یکنواختی کارهای خانه ایجاد می‌شود که سبب کاهش عزت‌نفس و بروز افسردگی شده و در درازمدت فرد را دچار نوعی ازخودبیگانگی می‌کند. برخی زنان در توصیف احساس خود می‌گویند: «توی خانه هستم؛ باعث شده آدم تنهایی باشم» و «وقتی بچه‌ها کوچک تر بودن نمی‌توانستم جایی برم و هیچ‌وقت خالی برای خودم نداشتم» برخی زنان اظهار کردند که ترک علایق‌شان سبب احساس ناخوشایندی است. و یا «وقتی فرزند دوممان به دنیا آمد؛ افسردگی شدید گرفتم».

عدم پرداختن به علاقه‌مندی‌ها: برخی زنان به دلیل مشغله‌های خانه‌داری مجبور به ترک علایق خود می‌شوند. از عوامل ازخودبیگانگی به‌ها ندادن به استعدادها و توانمندی‌هاست که در بیان زنان خانه‌دار به شکل زیر نمود یافته است «یه بار کار عروسک‌بافی رو شروع کردم که به خاطر بچه گذاشتم کنار» و یا زنانی در موارد پیش بیان کردند که مجبور به ترک علاقه خود در زمینه اشتغال یا درآمد یا ورزش شده‌اند. کاهش اعتمادبه‌نفس: جملات برخی از زنان در مصاحبه‌ها بیانگر نداشتن حس

اعتماد به نفس است «خواهرم کارمنده وقتی خودم رو باهاش مقایسه می کنم حس جالبی ندارم» و یا «زندگی خودم را با دیگران مقایسه می کنم» که ناشی از احساس خود کمترینی در فرد است. نداشتن اعتماد به نفس کافی در فرد احساس منزلت اجتماعی را با چالش روبه رو می کند.

عدم آزادی در انتخاب: عدم آزادی در انتخاب و پذیرش شرایط موجود، سبب از خود بیگانگی و در پی آن کاهش احساس منزلت اجتماعی در فرد است. خانه داری برای برخی زنان انتخابی نبوده، بلکه به بیان خودشان تحت تأثیر شرایط آن را پذیرفته اند. زن خانه داری که می گوید «زندگی مجبور می کنه آدمو که شرایط را بپذیره» و یا «حس جالبی نیست مجبور بشی به خاطر شرایط، کاری که علاقه داری رو کنار بگذاری».

احساس خجالت از نقش خانه داری: مقایسه منزلت خانه داری با مشاغل دیگر سبب کاهش اعتماد به نفس در برخی زنان شده است؛ البته در مورد کار خانه داری این احساس دائمی نیست؛ اما در بعضی روابط و برخوردها آشکار می شود. «بگید معلم یا مثلاً مدیر فلان شرکت؛ چقدر احترام می زارن تا این که بگی من خونه دارم» زن خانه دار دارای تحصیلاتی که احساس می کند شغل خانه داری نتوانسته است منزلت اجتماعی شایسته ای برای او داشته باشد و به میزان تحصیلات خود اشاره می کند تا از احترام بیشتری برخوردار شود. «پرسید شغلتون چیه؟ گفتم خانه دار، طوری حرف می زد؛ انگار بی سوادم؛ گفتم مدرکم کارشناسی ارشده».

تعارض و فشار نقش خانه داری و سایر نقش ها: تعارض نقش زمانی رخ می دهد که فرد دارای چند نقش متفاوت است. زنان ناسازگاری های ناشی از نقش را بین نقش خانه داری و تحصیل، کارهای متعدد خانه داری و نگهداری و پرورش فرزندان و پیوندهای خانوادگی و دوستی، گذران اوقات فراغت تجربه می کنند (سفیری و زارع، ۱۳۸۵). برخی زنان خانه دار که به تحصیل علاقه دارند در مصاحبه بیان کردند که «درس که می خونم کارها می مونه و همه چیز بهم ریخته می شه» و یا مادری که بین نقش مادری و سایر نقش ها دچار تعارض می شود و مجبور به ترک سایر نقش ها می شود «وقتی اولین

بچه دنیا او مد دیگه همه چی برای من تعطیل شد» ایجاد بیماری به سبب تعارض نقش خانه‌داری، مادری و تحصیل «سال گذشته آن قدر رویم فشار کاری بود که بیمار شدم» و نیز زنانی که از عدم تمرکز بر نقش به سبب انجام هم‌زمان چند نقش سخن گفتند. «کارای خونه مخصوصاً با بچه نمیزاره آدم روی کار دیگه‌ای تمرکز کنه چون وقتش پاره پاره میشه».

داشتن احساس غم و ناراحتی از نقش: عدم تطابق نقش زنان با سایر روابط انسانی به سبب محدود شدن در منزل، منجر به احساس تنهایی و افسردگی شده که ممکن است به آسیب‌های روانی نیز منجر شود «توی خونه بودن باعث شده آدم تنهایی باشم؛ می‌دونم افسرده‌ام» و یا «وقتی بچه‌ها کوچک تر بودن نمی‌تونستم خیلی جایی برم؛ وقت خالی برای خودم نداشتم» و یا زن خانه‌داری در توصیف محدودیت‌های روابط اجتماعی خود در چنین شرایطی می‌گوید «خیلی برام سخت بود که محدود باشم چون خیلی اجتماعی‌ام». برخی دیگر از احساس تنهایی رنج می‌برند. «خیلی وقت‌ها احساس تنهایی و بیهودگی می‌کنم» زنی که دچار افسردگی شده است می‌گوید «وقتی فرزند دومان به دنیا آمد افسردگی گرفتم؛ برای نگهداری بچه همه‌اش در خانه بودم» وی در توصیف احساس ناراحتی خود می‌گوید «تو دلم شاد نیستم؛ یه غمی دارم».

عدم هم‌صحبتی و همدلی: دو مورد از زنان نسبت به عدم هم‌صحبتی در محیط خانواده بیان کردند که «تا حرف می‌زدیم دعوا می‌شد» و یا «خیلی صحبت نمی‌کنه مگر اینکه من چیزی بپرسم».

۴-۴. کنشگری، خودآگاهی و بازیابی منزلت درون‌زا

مفاهیم مستخرج از این مضمون، شامل شناخت توانایی و استعدادها؛ آگاهی از وضعیت موجود؛ هم‌صحبتی مشترک؛ دریافت بازخورد مثبت است که نمایانگر ظرفیت زنان برای خودآگاهی، بازسازی منزلت و بازیابی هویت اجتماعی درون‌زا است. زنانی که به شناخت خود و توانایی‌هایشان رسیده‌اند و ضمن خانه‌داری عاملیت خود را با «سرمایه فرهنگی» و «خودآگاهی انتقادی» حفظ کرده و نمونه‌های فعالی از کنشگری

پنهان را نشان می‌دهند. از نگاه بوردیو، زمانی که عاملان بتوانند با درک وضعیت ساختاری خود، به بسیج سرمایه‌های موجود بپردازند، امکان تغییر موقعیت اجتماعی در میدان‌هایی محدود مانند خانواده وجود دارد.

هم‌چنین این تحلیل با آموزه‌های اسلامی نیز که کار در خانه را با نیت و خودآگاهی دارای ارزش معنوی و اجتماعی می‌داند؛ هم‌راستا است. زنانی که احساس مفید بودن دارند، بازخورد مثبت می‌گیرند و با مشارکت فعال‌تر در زندگی، نشانه‌هایی از خودآگاهی و بازیابی منزلت اجتماعی را بروز می‌دهند.

پاسخ‌های زنان در این مضمون به این شرح است:

آگاهی از وضعیت موجود: برخی از زنان خانه‌دار نسبت به وضعیت و خلأهای خود، آگاهی داشته که سبب ایجاد حرکت آنان در جهت توانمند ساختن خویش است. آگاهی سازنده می‌تواند زمینه‌ساز افزایش احساس منزلت اجتماعی باشد «برای خودم وقت خالی می‌کنم کاری که دوست دارم انجام بدم». «با سختی پیش رفتن بهتره تا کنار کشیدن».

پرداختن به توانایی‌ها و استعدادها: علاوه بر شناخت توانمندی‌ها در مرحله بعد پرداختن عملی به آن‌ها بیانگر خودآگاهی مثبت فرد است «به کارای هنری و آشپزی علاقه دارم مثل تابلو فرش و...» و یا «ورزش می‌روم هفته‌ای ۳ جلسه». زنی که با وجود مشغله‌هایش می‌گوید «مدرک ارشدم را همراه با بچه گرفتم» و یا «در فیزیک استعداد دارم. امسال برای ارشد شرکت کردم».

هم‌صحبتی و داشتن زبان مشترک: همدلی و هم‌زبانی در محیط خانواده انسجام‌بخش روابط درون خانواده است و داشتن فهم مشترک که در زبان مشترک تجلی می‌یابد، احساس منزلت اجتماعی را در فرد ارتقا می‌بخشد «سر مسائل مختلف صحبت می‌کنیم مسائلی که در جامعه به وجود می‌آید» و یا برخی دیگر بیشتر گفتگوی همدلانه بر سر مسائل روزمره دارند «درباره مسائلی که پیش میاد زیاد باهم حرف می‌زنیم مسائل خانوادگی یا در مورد بچه‌ها».

دریافت پاداش و بازخورد مثبت: برخی از زنان بیان کردند که به میزان کافی از همسر و خانواده، ارزش و پاداش مادی و معنوی دریافت می‌کنند. «شوهرم می‌گه؛

همه چیز برات تأمین می‌کنم چرا بری سرکار اذیت بشی» و یا «پیش اومده که جلو بقیه ازم تعریف کنه».

۵. رهیافت اسلامی درباره منزلت اجتماعی زنان خانه‌دار

با توجه به تحلیل‌های فوق و تعریفی که از منزلت خانه‌داری در اسلام بیان شد؛ اختیار و آزادی در انتخاب خانه‌داری و قدردانی پیاپی از زن به سبب خدماتی که انجام می‌دهد؛ مورد تأکید اسلام است. اسلام سرمایه اقتصادی زنان را در پوشش قانون مترقیانه مهریه، دریافت اجرت‌المثل در قبال کارهای خانه و شیردهی به روشنی تئوریزه ساخته است؛ در ضمن اینکه به خانه‌داری به عنوان امری که سبب تحکیم روابط نهاد خانواده شده، توجه ویژه دارد. تحقق راهبردهای مختلف اسلام در راستای حفظ منزلت زن، سبب رفع بسیاری از چالش‌ها و آسیب‌هایی که زنان خانه‌دار با آن مواجهه‌اند. به نظر می‌رسد برخی فروبستگی‌ها درباره زنان که در پژوهش حاضر با عنوان عادت‌واره‌ها از آن سخن به میان آمد مربوط به تفکر سنتی درباره زنان است که بدون توجه به مناسبات جامعه مدرن در لایه‌های پنهان ذهن و رفتارهای آشکار، خانه‌داری را وظیفه مسلم و اجباری برای زن تلقی می‌کند و آنحایی از خشونت پنهان را بر زن اعمال کرده و سرمایه اقتصادی او را به شیوه‌های مختلفی تقلیل می‌دهد. برای حل این دوگانه که یک سر طیف آن نگاه مترقیانه اسلام و سر دیگر آن نگاه متزلزله درباره زنان و امر خانه‌داری است باید به سیاست‌گذاری در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی برای ارتقاء منزلت اجتماعی زنان و احیای اندیشه‌های اسلام روی آورد تا بتوان گامی مؤثر در راستای ایجاد رضایت پایدار نسبت به مسئله خانه‌داری در ایران برداشت.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف تحلیل جامعه‌شناختی منزلت اجتماعی زنان خانه‌دار به روش کیفی، مفهوم منزلت اجتماعی را در چارچوب مجموعه‌ای از نظریات منزلت و پایگاه اجتماعی مورد تحلیل قرار داده است. مؤلفه‌های مطرح شده توسط پارسونز، بوردیو، بلاو

و مارکس در باب منزلت اجتماعی را به کار گرفته شد تا به تصویری روشن تر در این باره دست یابیم. تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون انجام گرفت. زنان مصاحبه شده ۱۳ نفر متأهل دارای فرزند، در بازه سنی ۲۸ تا ۴۰ سال بودند که از طریق روش نمونه گیری گلوله برفی انتخاب شدند. ۱۸۱ کد از مصاحبه ها استخراج شد که تبدیل به ۲۵ مقوله فرعی و ۴ مضمون اصلی گردید. یافته ها نشان داد که منزلت اجتماعی این گروه تحت تأثیر مجموعه ای از ساختارهای فرهنگی، نابرابری های جنسیتی، وابستگی اقتصادی و بازنمایی های منفی اجتماعی قرار دارد. مفاهیمی همچون بازتولید عادت واره های جنسیتی، دوکسا، ابهام نقش، فشار نقش و از خود بیگانگی، ابعاد مختلف تجربه این زنان را در زمینه ای از کاهش ارزش اجتماعی و احساس بی پناهی تبیین می کنند. در دل این وضعیت، نشانه هایی از کنشگری، خودآگاهی انتقادی و تلاش برای بازسازی منزلت از درون نیز قابل مشاهده است. رهیافت اسلامی ارائه شده در پژوهش، نشان می دهد که آموزه های دینی با تأکید بر کرامت ذاتی زن، اختیار در پذیرش نقش خانه داری، و سازوکارهایی چون مهریه و اجرت المثل (در قبال کار در خانه و شیردهی) به تأمین سرمایه اقتصادی زنان پرداخته و چارچوبی مترقی برای ارتقای منزلت زنان خانه دار فراهم آورده اند. به نظر می رسد محدودیت های اعمال شده بر زنان خانه دار، ناشی از تفکرات سنتی و عدم توجه به مناسبات جامعه مدرن است که در لایه های پنهان ذهن، خانه داری را وظیفه ای مسلم و اجباری برای زنان تلقی می کنند. این نگرش، نوعی خشونت پنهان را بر زنان تحمیل کرده و سرمایه اقتصادی و فرهنگی آنان را به شیوه های گوناگون تقلیل می دهد. دوگانگی میان اندیشه سنتی و نگرش مترقیانه اسلام، درباره زنان، موجب بروز تعارضات، و فاصله معناداری میان آموزه های اسلام و واقعیت های اجتماعی موجود در ساختارهای تفکر فرهنگی ما شده است که بیشتر مسکوت گذاشته می شوند. با توجه به این یافته ها، سیاست گذاری های فرهنگی و اجتماعی می توانند با تمرکز بر توانمندسازی زنان خانه دار و اصلاح نگرش های عمومی در راستای اجرای آموزه های اسلامی به بهبود و افزایش منزلت اجتماعی زنان خانه دار کمک کند.

فهرست منابع

- اسمیت، فیلیپ؛ رایلی، الگزاندر. (۱۳۹۴). نظریه فرهنگی (مترجم: محسن ثلاثی). تهران: علمی.
- امین فر، صبور. (۱۳۹۳). بررسی نگرش زنان جوان درباره منزلت نقش خانه‌داری. دین و مطالعات فرهنگی، (۲)، صص ۱۲۱-۱۴۱.
- ایمان، محمدتقی و کیدقان، طاهره. (۱۳۸۲). «بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان مطالعه موردی زنان شهر شیراز». علوم انسانی الزهراء، (۱۳-۱۲)، صص ۴۰-۵۴
<https://sid.ir/paper/416728/fa>
- بابایی فرد، اسداله؛ سربندی، آرزو. (۱۳۹۸). «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش به منزلت اجتماعی زنان در شهر کاشان». زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، (۴۰)، صص ۸۹-۱۲۵.
<https://sid.ir/paper/169296/fa>
- برگر، پیتر؛ برگر، بریجیت و کلنر، هانسفرید. (۱۳۹۴). ذهن بی‌خانمان: نوسازی و آگاهی (مترجم: محمد ساوجی). تهران: نی.
- بوردیو، پی. یر. (۱۳۹۳). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی (مترجم: مرتضی مردیها). تهران: نقش و نگار.
- بوردیو، پی. یر. (۱۴۰۰). سلطه مذکر (مترجم: محسن ناصری راد). تهران: آگه.
- بهشتی، محمد. (۱۳۷۲). فرهنگ صبا: تهران: صبا.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی (مترجم: باقر ساروخانی). تهران: کیهان.
- تنهایی، حسین ابوالحسن. (۱۴۰۰). دستگاه نظری مارکس. تهران: احسان.
- حمده، مریم. (۱۳۸۳). حق اجرت المثل و نحلہ در یک بررسی حقوقی، مطالعات راهبردی زنان (۲۵)، صص ۲۹۲ - ۳۱۹.
- دیلمینی، تیم. (۱۳۸۷). نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی (مترجم: بهرننگ صدیقی). تهران: نی.

ریترز، جورج. (۱۳۸۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر (مترجم: محسن ثلاثی). تهران: علمی.

ریترز، جورج؛ گودمن، داگلاس. جی. (۱۳۹۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی مدرن (مترجمان: خلیل میرزایی و عباس لطفی‌زاده). تهران: جامعه‌شناسان.

ساروخانی، باقر و جاه، مریم رفعت. (۱۳۸۳). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در باز تعریف هویت اجتماعی زنان. زن در توسعه و سیاست، ۲(۱)، صص ۷۱-۹۱

سفیری، خدیجه؛ زارع، زهرا. (۱۳۸۵). احساس ناسازگاری میان نقش‌های اجتماعی و خانوادگی در زنان. مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان، ۴(۱۰)، صص ۴۷-۷۰

سیدمن، استیون. (۱۴۰۰). کشاکش آراء در جامعه‌شناسی (مترجم: هادی جلیلی). تهران: نی.

شهسواری، مریم؛ علیمندگاری، ملیحه و کلاله ساداتی، احمد. (۱۴۰۱). باور مردان و اشتغال زنان مطالعه کیفی در شهر یزد. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۱۱(۲۱)، صص ۹-۲۷.

عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۱۰)، صص ۱۵۱ - ۱۹۸.

عباسی، عباس؛ محمدی، لیلا و محمدی، خدیجه. (۱۴۰۳). روایی و پایایی در تحقیقات کیفی. پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۴۰(۲۱)، صص ۳۷۵-۴۱۲.

کاراندیش، مراد؛ گلپور، محسن و مهداد، علی. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش هستی‌شناختی مبتنی بر نظریه گیدنز بر ابهام نقش و تعارض نقش. مطالعات روانشناسی صنعتی و سازمانی، ۷(۲)، صص ۴۰۱ - ۴۱۶.

کونن، بروس. (۱۳۸۷). مبانی جامعه‌شناسی (مترجمان: غلامعباس توسلی، رضا فاضل). تهران: سمت.

Braun, V, & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*. 3(2), pp. 77-101

- Sahrawat, Shrut (2024). The Silent Burden: Psychological Challenges Of Being Housewife, International. *Creative Research Thoughts (IJCRT)*, 12(6), pp. j525-j528 ISSN: 2320-2882 <http://www.ijcrt.org/papers/IJCRT24A6057.pdf>
- Okulicz-Kozaryn, A., & da Rocha Valente, R. (2018). Life satisfaction of career women and housewives. *Applied Research in Quality of Life*, (13), pp. 603-632.
- Durak, M., Senol-Durak, E. & Karakose, S. (2023). Psychological Distress and Anxiety among Housewives: The Mediation Role of Perceived Stress, Loneliness, and Housewife Burnout. *Curr Psychol* (42), pp. 14517-14528, <https://doi.org/10.1007/s12144-021-02636-0>.
- <https://doi.org/10.22034/jipm.2024.717062>
- <https://sid.ir/paper/66061/fa>.